

باروک در نستعلیق پیشرفته

محمد رضا مهدوی

عضو سازمان نظام پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)
ایمیل نویسنده مسئول: dr.mrm2016@gmail.com

چکیده

انتخاب نقطه پنج دایره در نستعلیق و فراکتال خط نستعلیق که ناشی از انتخاب بیضی طلایی است، خط نستعلیق را تبدیل به هنر بی بدلیل و بی رقیب در دنیای خوشنویسی نموده است. بیضی طلایی نقطه عطفی در تکامل خط نستعلیق است و تمام اجزا این خط را از حرف تا جمله و از سطر تا سواد و بیاض را متوجه خود می کند و به تمام سوالات هنرجویان پاسخ منطقی و علمی می دهد.

واژه‌های کلیدی: بارونک، نستعلیق

۱- مقدمه

سخن هرچ گویم همه گفته‌اند
بر باغ دانش همه رفته‌اند
توانم مگر پایه‌ای ساختن
بر شاخ آن سرو سایه فکن
(حکیم فردوسی)

امام صادق (ع) می‌فرماید:

تمام نیکویی‌ها در سه خصلت جمع است "نگاه" و "سکوت" و "سخن" نگاه:
سرآغاز شناخت انسان نسبت به دنیای اطراف خویش است پس بایستی عظمت در نگاهمان باشد نه در آن چه بدان می‌نگریم.
اگر بر دیده مجنون نشینی
به غیر از خوبی لیلی نبینی
(وحشی بافقی)

هنر:

یعنی حرکت از بی‌شکلی و گسیختگی به محدودیت و نظم و هماهنگی.

هنرمند:

یک عدسی بزرگ کننده است که یک شیء را آن قدر نزدیک می‌آورد و ملموس می‌سازد تا اجزاء ریز و درشت و مبهم آن آشکار و مشخص گردد.

هنر پیشرو:

تصفیه واقعیات جاری و استخراج حقایق ناب از میان آن‌ها و قرار دادن آن در مجرای حیات معقول با شکل جالب و گیرنده است.

دقت:

نقطه شروع هر هنر است و دقت چیزی نیست جز انتقال از ابهام به تشخیص.

خداوند حکیم و خالق زیبایی‌های هستی جهان، چشم را به ما هدیه داد تا با دقت در نگاه خود به عمق این زیبایی‌های بصری برسیم، چشم ما به علت داشتن توانایی فوق‌العاده و ارتباط سریع با نقاط دیگر مغز قادر است فاصله‌ها و تعادل و حتی کند و سریع بودن حرکت‌ها را تشخیص دهد و این امکان را به ما می‌دهد تا زندگی لذت‌بخش‌تر و راحت‌تری داشته باشیم و با درک زیبایی‌ها و عناصر اصلی سازنده آن‌ها در هر هنری به پیشرفت لازم برسیم.

هنر خوش‌نویسی:

خوش‌نویسی می‌خواهد قلم و مرکب را با روح و ذهن و جسم خود چنان هماهنگ کند و آن دو را مهار کند تا حروف و کلمات و جملات متناسب و همگون را در کنار هم بچیند و آن‌چه را که لازمه یک اثر هنری است ایجاد کند.

وظیفه هنرمند خوش‌نویس به تجلی درآوردن هنر خداوندی در قطعه‌ای است که می‌نویسد و بدین وسیله دنیایی را در یک حرف یا کلمه نشان می‌دهد برای انجام چنین کاری می‌بایست هنرمند از قبل با ذهنیت و آشنایی با حرکات و تمرین مداوم به این مقام برسد.

همان‌گونه که می‌دانید پیشگامان و بزرگان اندیشمند ما در این حوزه که پایه‌گذار هنر زیبای خوش‌نویسی بودند با دید وسیع و جهان‌بینی خود آگاهانه قدم در این مسیر گذاردند، با مقصد و هدف مشخص و راه این مسیر را هم به آیندگان و پویندگان خود نشان دادند، با نوشتن رساله‌هایی ناب و مفصل و در هر کدام نهایت سعی و کوشش خود را جهت اعتلای این هنر بکار بردند.

این دست مقالات سعی دارد تا مسیر را برای هنرجویان هموارتر کند و نیز در سیر تحول خوش‌نویسی گامی به جلو بگذارد تا با درک بهتر از آهنگ و نواخت و هندسه حروف و کلمات و حتی جمله‌ها بتواند زیبایی و هماهنگی یا هارمونی این هنر زیبا را توضیح دهد.

باروک:

توصیف ساده اما مفید از شیوه‌ی باروک آن است که هنر باروک چارچوب اثر را از کنش و حرکت انباشته می‌کند و فضاهایی خلق می‌کند برای ایجاد تفکر با ویژگی خاص و این ویژگی خاص حفظ تعادل و وحدت‌آفرینی در میان عناصر متراکم و گوناگون است.

با توجه به فلسفه‌ی باروک که همانا حفظ تعادل در تناسبات و ایجاد وحدت و یکپارچگی و به نوعی واقعیت‌گرایی و ایجاد یک سیستم علمی و مبتنی بر مستندات حقیقی است، در نستعلیق این هنر زیبا و چشم‌نواز هم می‌توان دنبال یک تکیه‌گاه علمی بود و در آن وحدت‌آفرینی ایجاد کرد.

باروک در نستعلیق:

بزرگان و پیشگامان خط نستعلیق و به‌خصوص میرعلی تبریزی (رحمت واسعه خداوند بر او باد) که ایشان را پدیدآورنده این خط زیبا می‌دانند با نگاهی مو شکافانه و سواد بصری و هندسی بالای خود گردش و دوری را برای این خط زیبا و جاودانه برگزیدند که در هیچ یک از خطوط دیگر نبود یا کم‌تر بود و یا تا حدی به آن نزدیک شده بودند مانند خط تعلیق و در بعضی از حروف و حرکات در خط کوفی هم این هماهنگی مشاهده می‌شود.

مرحوم میرعلی تبریزی حدود یک قرن قبل از توسعه شیوه باروک در اروپا خط نستعلیق را با ساختاری هماهنگ و همگون با حفظ تعادل و تناسبات وضع کرد، این ساختار زیبا و هماهنگ و دارای فراکتال هندسی در خط نستعلیق که آن را زیبا و موزون و متناسب کرده در شکلی از بیضی نهفته است که آن را بیضی طلایی می‌گوییم.

درواقع میتوان گفت بیضی طلایی مروارید صدف نستعلیق است که تاکنون به آن پرداخته نشده است. برای آن که به درک بهتری از این انتخاب هندسی برسیم به این می‌پردازیم که چرا شکل هندسی بیضی زیباست و کدام شکل بیضی از همه زیباتر است؟

همون‌طور که می‌دانید اشکال هندسی مانند مربع و مستطیل و مثلث و دایره و اشکال دیگر هندسی هر کدام بر طبق یافته‌های علمی و روان‌شناسی دارای شناسه روان‌شناسی مخصوص به خود هستند و هر کدام شخصیت و معنای جداگانه‌ای را به ذهن متبادر می‌کنند.

به‌عنوان مثال مربع و مستطیل احساس امنیت و اعتماد را القا می‌کنند، و جهت طراحی لوگوی شرکت‌ها بیشتر کاربرد دارد. مثلث شخصیت متضاد را القا می‌کند، بخصوص اگر رأس مثلث پایین باشد حس عدم تعادل را نشان می‌دهد.

دایره هم شخصیت عشق و دوستی و پایداری و جهانی بودن را در خود دارد.

و اما بیضی که مدنظر ماست چه شخصیتی دارد؟

بیضی مانند دایره آغاز و پایانی ندارد و شکل کل جهان هستی و گردش آسمان‌ها و زمین را به یاد می‌آورد و حس جادویی و معماگونه‌ای را داراست.

بیضی مانند دایره لبه و رأس ندارد و به‌همین دلیل لطافت بیشتری را در چشم ایجاد می‌کند و می‌تواند ابدیت را نشان دهد. شکل بیضی و معادل آن در طبیعت فراوان است، از جمله در نمای کلی چهره افراد که این نوع فرم صورت از نوع زیباترین فرم‌های صورت است و شکل گل‌ها و نمای کلی درختان و بال پرندگان و در اجزاء کوچک‌تر جهان هستی هم مشاهده می‌گردد. بنابراین انتخاب بیضی به‌عنوان مبنا در این خط بسیار هوشمندانه و با وسواس و سلیقه همراه بوده‌است. پس لازم است که هنرجویان شناخت بهتر و بیشتری از این شکل داشته باشند و بعضی از مفاهیم این شکل زیبا را فرا گیرند.

فراکتال چیست؟

یک ساختار هندسی قابل تکرار از شکلی معین است که با تکرار آن شکل به همان شکل اولیه با اندازه‌های متفاوت بزرگ‌تر یا کوچک‌تر برسیم مانند قطعات آجر که با قرار دادن چند عدد از آن آجر به آجری با همان شکل ولی بزرگ‌تر می‌رسیم.

بیضی و تعریف آن:

بیضی مکان هندسی نقطه‌ای از صفحه است که "مجموع" فاصله‌های آن از دو نقطه ثابت F و F' واقع در همان صفحه مقداری "ثابت" باشد.

که معمولاً F و F' را "کانون‌های بیضی" و فاصله بین این دو نقطه را از یکدیگر "فاصله کانونی" بیضی می‌گویند و با $2c$ (دو مرکزی) نشان می‌دهند.

بیضی یک منحنی بسته است و هر بیضی صفحه را به سه بخش جدا از هم که عبارت‌اند از: درون بیضی، روی بیضی و بیرون بیضی تقسیم می‌کند.

هر نقطه‌ای مانند M که روی خط منحنی بیضی است جمع فاصله‌اش از دو کانون بیضی مقدار عددی است ثابت و برعکس هر نقطه که مجموع فاصله‌هایش از دو کانون برابر مقدار ثابتی باشد روی بیضی قرار گرفته است.

هر چقدر فاصله‌ی دو کانون بیضی F و F' از یکدیگر کم‌تر شود شکل منحنی بیضی به دایره نزدیک می‌شود.

اگر F و F' روی هم منطبق شوند شکل حاصل شده دایره خواهد بود و هر چقدر دو فاصله‌ی کانونی از هم فاصله بگیرند بیضی کشیده‌تر و تخت‌تر می‌شود.

قطرهای بیضی:

بیضی برخلاف دایره و بدلیل شکل مخصوص خود دو قطر کوچک و بزرگ دارد (درواقع دایره نوعی بیضی است که دو کانون آن روی هم منطبق شده‌اند).

خطی که از دو کانون بیضی عبور می‌کند و امتداد می‌یابد تا به دو طرف بیضی برسد قطر بزرگ بیضی (AA') و خطی که عمود منصف این قطر بزرگ رسم می‌شود تا به دو طرف دیگر بیضی برسد قطر کوچک بیضی یا قطر ناکانونی بیضی (BB') می‌نامند.

گفتیم که بیضی بدلیل داشتن دو کانون خود می‌تواند کشیده و باریک یا پهن و به دایره شبیه شود.

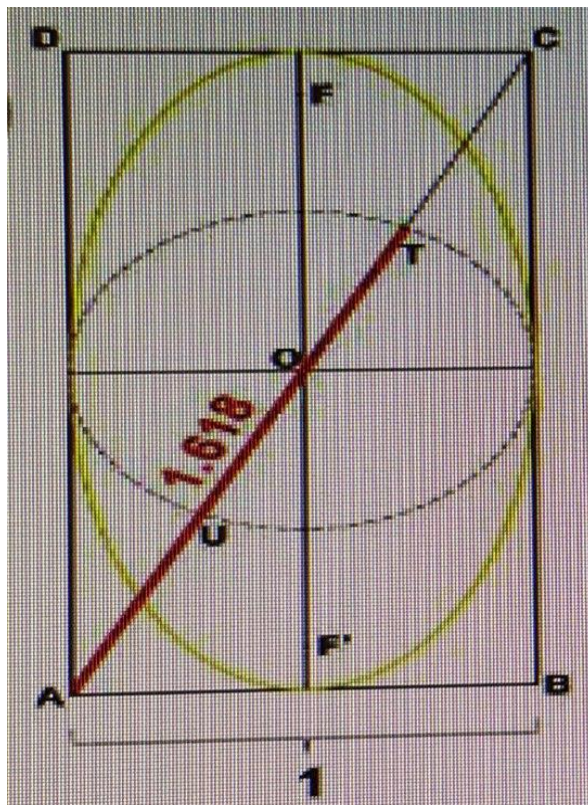
اما شکلی از بیضی که زیباترین آنست و مدنظر ماست و پیشگامان این هنر با اعجاز بصری خود به آن رسیدند که به آن بیضی طلایی می‌گوییم چه شکلی است و چگونه رسم می‌شود.

برای پاسخ به این سوال مهم باید نسبت طلایی را بشناسیم و بدانیم چیست و چگونه به دست آمده و چه تاریخچه‌ای دارد و چرا مهم است.

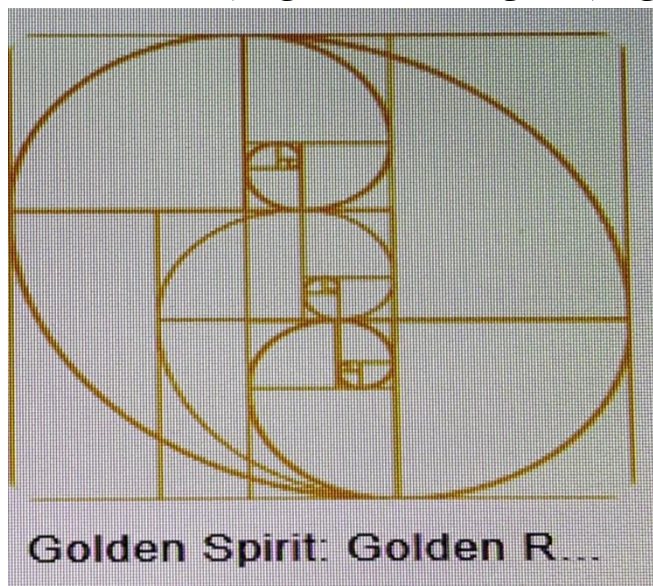
نسبت طلایی:

برای راحت‌تر بیان کردن این نسبت از نظر دیداری که به کار ما نزدیک‌تر است و ایده شکل‌گیری این نسبت را بیان میکند،

آنها روی پاره خط نشان می‌دهیم:



خط زیر را به اندازه‌ای رسم می‌کنیم که وقتی آن را به دو قسمت می‌کنیم بین این دو قسمت رابطه‌ی زیر برقرار باشد:



این نماد را عدد «فی» می‌نامند و عدد آن را عدد طلایی و اشکالی که با این عدد به تناسب زیبا می‌رسند اشکال طلایی می‌نامند.

مانند مستطیل طلایی و بیضی طلایی که برای شرح بیشتر می‌توانید به کتاب‌های مرجع مراجعه کنید. بنابراین طبیعی است بپرسیم که آیا بیضی را هم می‌توان با نسبت طلایی رسم کرد و به شکل بیضی طلایی رسید پاسخ مثبت است.

رسم بیضی طلائی:

دانستیم که بیضی دو قطر بزرگ و کوچک دارد بنابراین هر گاه بتوانیم بیضی رسم کنیم که نسبت قطر بزرگ به قطر کوچک آن به عدد طلائی ۱,۶۱۸ نزدیک باشد آن بیضی زیباتر متعادل تر و متناسبترین شکل بیضی است که مدنظر ماست. خداوند حکیم و خالق زیباییهای جهان از تناسبات بیضی طلائی در خلق اجزاء کوچک و بزرگ جهان از دیانای انسان و حتی چهره او و سر مورچه و شکل کهکشانهای جهان استفاده نموده است. و از آنجا که در اجزاء کوچک و بزرگ حرکات و شکل اجزاء نستعلیق هم این تناسبات بیضی گون بکار برده می شود در جای جای این خط شباهت به اشکال طبیعت گونه یافت می گردد. و این اندام بیضی گون در نستعلیق باعث به هم پیوستگی و درهم تنیدن و زنجیروار بودن چیدمان حروف و کلمات و جملات می گردد و شکلی مانند موجهای حاصل از انداختن سنگ در آب می گردد با مرکزی واحد. استاد غلامرضا طاهریان می فرمایند:

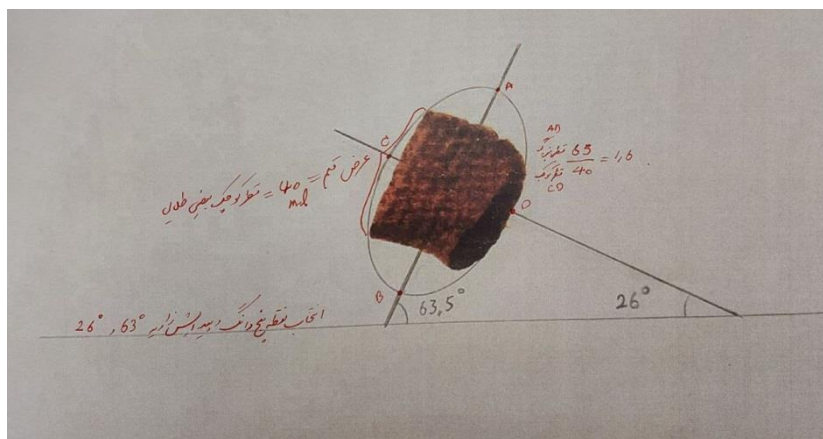
تمامی نستعلیق یک حرکت بیش نیست و خوشنویسی که بتواند این حرکت را کشف و ادراک نماید به سرمنزل مقصود رسیده است و تداوم این حرکت در نهایت به آهنگ و تناسباتی می انجامد که شکوه و زیبایی نستعلیق از آن برمی خیزد. من هم معتقدم که همواره راه حل ها و پاسخهای مناسب و جالب و راهگشا در قبال سؤالهای خوب، درست و دقیق پیدا می شوند.

حال که دانستیم بیضی طلائی چیست و چرا مهم است به یک نکته جالب اشاره می کنم: اگر مداد یا خودکاری را در دست بگیرید و دست خود را روی صفحه قرار دهید مداد یا خودکار خود را از مچ دست روی صفحه کاغذ حرکت دهید مسیری که کشیده می شود و طی می کند بر محور بیضی طلائی منطبق خواهد بود. امتداد قطر کوچک این بیضی طلائی روی خط افق دو زاویه بیست و شش درجه و شصت و سه و نیم درجه را ایجاد می کند که این مهم دلیل دیگری است برای اهمیت این شکل هندسی و زیبایی آن و مهم بودن این دو زاویه که به ذهن و دل و دست ما نزدیک است. نکته دیگر زاویه حدود شصت درجه که یکی از محورهای الکتریکی و مهم قلب هم هست و شاید به دل نشستن این زاویه هم به همین دلیل باشد.

چرا نقطه پنج دانگ؟

سنگ بنای خط نستعلیق پیشرفته و تکامل یافته نقطه پنج دانگ و بیضی طلائی است که آن را در خود محصور می کند. مرحوم استاد کلهر و عمادالکتاب (رحمت خداوند بر آنها باد) با نگاهی دقیق و حساس که لازمه پیشرفت در این هنر است نقطه پنج دانگ را مبنا و اساس خط خود قرار داده اند و شاید فرصتی دست نداده تا به شکل علمی چرایی آن را بیان کنند و ما در این جا به توضیح این مسئله می پردازیم:

ملاحظه شد که امتداد مسیر طبیعی حرکت دست هم بیضی طلائی خواهد شد که برای هر دستی با توجه به کوچک و بزرگ بودن دست و مچ دست این محور بزرگ تر و بیضی رسم شده هم بزرگتر خواهد شد. اما بیضی حاصل از ادامه حرکت بدون در نظر گرفتن اندازه دست باز هم بیضی طلائی خواهد بود برای درک بهتر و متبرک شدن مقاله از مسیر دست استاد عزیزم "نیما الیکایی" خواهش کردم تا این تجربه را انجام دهند و حرکت دست ایشان را به عنوان مبنا در مقاله بگنجانم و حاصل آن شکلی است که ملاحظه می فرمایید.



همانطور که ملاحظه میکنید از امتداد مسیر دست ایشان بیضی حاصل شده که قطر بزرگ آن هشت سانت و قطر کوچک آن ۴,۸ سانت است که نسبت این دو قطر عدد طلایی ۱,۶ است.

اگر زبانه قلم یا عرض قلمی که تراشیده و آماده نوشتن نموده‌ایم یک سانت در نظر بگیریم بیضی طلایی که قطر کوچک آن یک سانت باشد رسم کنیم قطر بزرگ آن با توجه به توضیحات قبل یک ممیز شش یا نزدیک به آن باشد تنها نقطه پنج دانگ است که با این قلم یک سانت می‌توانیم در داخل این بیضی طلایی رسم کنیم. و این نقطه داخل این بیضی طلایی آرام می‌گیرد و مماس با سطح بیضی می‌گردد و نقطه شش دانگ (که هر طرف آن یک سانت باشد) مربع کامل با اضلاع یک سانت) داخل بیضی طلایی جای نمی‌گیرد و از آن بزرگ‌تر شده و قسمتی از آن نقطه شش دانگ از بیضی طلایی خارج می‌شود. بعد از رسم بیضی طلایی محصور کننده‌ای نقطه پنج دانگ اگر قطرهایی این بیضی طلایی را امتداد دهیم تا با خط افق تلاقی کند زاویه‌های حاصل شصت و سه ممیز پنج و بیست و شش درج می‌گردد که این زاویه‌ها به‌علاوه شیب قطر بزرگ بیضی طلایی سرآغاز زیبایی و هماهنگی و هسته‌ی فراکتالی خط نستعلیق را تشکیل می‌دهند. نویسنده مرقعات بسیاری از نسخ تعلیق و نستعلیق را بررسی کرده و در آن‌ها نشانه‌هایی از تمایل به سمت نسبت‌های طلایی و بیضی طلایی را یافتم حتی در انتخاب اندازه کاغذ هر جا این اندازه‌ها به نسبت طلایی نزدیک‌تر بود کار زیباتر و عیار بالاتری را نشان داده است. بر این اساس این‌جانب با اجازه از استاد بزرگ و میراث زنده و فخر ایران زمین استاد امیرخانی مبنای مقاله را بر پایه رسم‌الخط ایشان قرار دادم.

و شگفتا که در کل این رسم‌الخط از نقطه گرفته تا چلیپا اندازه‌ها با معیار هندسی بیضی طلایی همخوانی و هماهنگی داشته است. بر این مبنا و پژوهش انجام‌شده بسیاری از سوالات و ابهامات در شکل و اندازه زاویه حرکات حتی فاصله نقطه‌ها در کلمه و حروف و میزان فاصله کلمات و حروف از هم و نحوه نگارش درست آن‌ها حتی انتخاب زاویه چلیپا روشن می‌گردد. قصد این نیست که خط زیبا و دل‌فریب نستعلیق را در چارچوب خط‌کش و هندسه به بند کشیم بلکه می‌خواهیم به تحلیل زیبایی آن بپردازیم و بگوییم از چه روی این هنر ماندگار مانند گل زیباست و لطافت دارد و این تحلیل برای هنرمندی که قصد تمرکز و تمرین و پیگیری حرفه‌ای این هنر زیبا را دارد لازم و ضروری است، اما زیبایی و بوی خوش این هنر شریف را هر بیننده‌ای درک می‌کند و نیازی به تحلیل هندسی آن ندارد و فقط کافی است با نگاه کردن از آن لذت ببرد. اما این وظیفه هنرمند حرفه‌ای است که آن را هرچه زیباتر و قاعده‌مند تر بنویسد و در انتخاب خود دقت و ظرافت بیشتری به خرج دهد و دنبال آن باشد که راز این زیبایی را بشناسد و درک کند. خط نستعلیق ویژگی‌های نسخ و تعلیق را داراست و همان‌طور که این دو خط در طول تاریخ خود پیشرفت کرده‌اند نستعلیق هم ازین قاعده مستثنی نبوده و نیست. اما این ویژگی باروک در نستعلیق بوده که توانسته نسخ و تعلیق را از دور خارج کند و خود را جایگزین بلامنازع آن دو کند.

در بررسی آثار زیبای استاد مرحوم میرعماد الحسنی هم پیروی از بیضی طلایی هم در حروف و هم کلمات چه متصل و چه منفصل دیده می‌شود و نیز در خطوط و مرقعات استاد غلامرضا اصفهانی و میرحسین ترک و میرزا کاظم تهرانی پیروی از بیضی طلایی باعث به وجود آمدن حروف و کلمات زیبا در خط این اساتید گردیده است.

منابع

- دادسون، برت. کلیدهای طراحی. ترجمه: عربعلی شروه. انتشارات یساولی چاپ دوازدهم ۱۳۹۲
- اسحاق زاده، روح الله. اصول و مبانی خط نستعلیق بررسی آن در شیوه صفوی و معاصر. ناشر مهرآذین چاپ دوم ۱۳۹۴
- سجادی، یاسین حمید. خوشنویسی اسلامی. ترجمه. دکتر مهناز شایسته فر سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۸۱
- یاوری، حسین. مبانی هنر. انتشارات سایه بان هنر ۱۳۹۳
- معتقدی، کیانوش و گودرزی، سحر. گرایش‌های نوین در خوشنویسی قاجار. انتشارات کتاب آرایبی ایرانی چاپ اول ۱۳۹۸
- شیمیل، آنه ماری. راز اعداد. ترجمه. فاطمه توفیقی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب چاپ چهارم ۱۳۹۱
- زارعدار، محمد مهدی. باغ طرب (آلبومی از آثار خوشنویسی ایرانی و نگاره‌های هندی). انتشارات رواق هنر چاپ اول ۱۳۹۴
- سیفی قزوینی، حسین (عمادالکتاب). رسم المشق انتشارات یساولی ۱۳۰۲
- مثقالی، فرشته. تایپوگرافی. انتشارات نشر نظر چاپ ششم ۱۴۰۱
- کاندینسکی، واسیلی. نقطه خط سطح. ترجمه پریسا محقق زاده انتشارات مارلیک چاپ دوازدهم
- جواهری، محمد حسن. بیان تجربی خطوط انتشارات برگ نو چاپ دوم ۱۳۹۳
- نیرومند، محمد حسین. فیل آبی برای ایده یابی انتشارات فرهنگسرای میر دشتی چاپ نهم ۱۴۰۱
- سیفی قزوینی، محمد (میر عماد). مرقع خطوط (گنجینه کتب و نفایس خطی کاخ گلستان) انتشارات شاد رنگ ۱۳۷۸
- سیفی قزوینی، محمد (میر عماد). قطعات منتخب استاد بزرگ خط نستعلیق. انتشارات فروغ دانش چاپ اول ۱۳۸۲
- اکو، امبرتو. تاریخ زیبایی. ترجمه هما بینا فرهنگستان هنر چاپ هفتم ۱۴۰۱
- هراتی، محمد مهدی. پژوهشی در خوشنویسی کاتبان بزرگ قرآن کریم. چاپ کتیبه ۱۳۹۱
- هاشمی نژاد، علیرضا. سبک شناسی خوشنویسی قاجار. فرهنگسرای هنر جمهوری اسلامی ایران ۱۳۹۳
- یساولی ثانی، جواد. سوابق تاریخی نقوش تاثیر هنرهای اسلامی در تحول هنر اروپا. انتشارات یساولی چاپ دوم ۱۳۹۲
- فلاح، ابراهیم. هندسه خط. انتشارات آمل وارث وا ۱۳۹۶
- کرمانی نژاد، فرزاد. هنر خوشنویسی در ایران انتشارات رنگ هفتم چاپ اول ۱۳۹۱
- خیام، یادگار. راز سر بمهر انتشارات سبزه چاپ اول ۱۴۰۰
- رضوی فر، حسین. درنگی بر کارنامه خوشنویسی ایرانی. انتشارات سبزه چاپ اول ۱۴۰۱
- بختیاری، جواد. نستعلیق جواهر پارسی. انتشارات یساولی چاپ اول ۱۴۰۰
- گراهام، گوردن. فلسفه هنرها (درآمدی بر زیبایی شناسی) ترجمه مسعود علیا. انتشارات ققنوس چاپ اول ۱۳۸۲
- اسلامی ندوشن، محمد علی. سرو سایه فکن (درباره فردوسی و شاهنامه) انتشارات یزدانی ۱۳۷۵
- رحمان نژاد، محمود. سطرهای میزا کاظم. نشر بلور ۱۳۹۹
- منتخب آثار چلیپا. موزه رضا عباسی. انتشارات فرنگار رنگ ۱۳۹۰
- سیفی قزوینی، محمد (میر عماد). مجموعه منتخبی از آثار میر عماد در موزه رضا عباسی انتشارات رنگ پنجم ۱۳۸۹
- امیرخانی، غلام حسین. رسم الخط انتشارات انجمن خوشنویسان ایران چاپ یازدهم ۱۳۷۶
- امیرخانی، غلام حسین. آداب الخط. انتشارات انجمن خوشنویسان ایران چاپ اول ۱۳۷۱.